سه‌شنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۹۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ضرورت بازکردن جبهه جدید برای پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی

حمله نظامی، پاسخ اقتصادی

محمد طاهران‌پور
عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

این روزها با ایستادگی مثال‌زدنی محور مقاومت، آتش‌بس نظامی میان حزب‌الله و رژیم منحوس صهیونیستی برقرار شده که نشان‌دهنده پیروزی حزب‌الله لبنان است؛ چراکه این رژیم نتوانست به اهداف خود در لبنان برسد و شواهد نیز نشان می‌دهد که خسارات و تلفات سنگینی بر آن وارد شده است؛ اما مسئله مهم این است که با وجود برقراری آتش‌بس نظامی، رژیم صهیونیستی از جنگ اقتصادی علیه حزب‌الله و محور مقاومت دست برنداشته است. در این یادداشت به نقشه آمریکا برای منطقه و لزوم کنشگری و اتحاد کشورهای مسلمان در نبرد اقتصادی علیه اسرائیل اشاره خواهد شد.

نقشه شوم شیطان بزرگ

۹ سپتامبر ۲۰۲۳ حدود یک ماه پیش از آغاز عملیات طوفان‌الاقصی بود که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا از کریدور تحت عنوان کریدور عربی-مدیترانه‌ای (Arab-Med) در اجلاس سران G20[1] رونمایی کرد که هند را از طریق امارات و عربستان سعودی و اردن به فلسطین اشغالی و دریای مدیترانه و در نهایت اروپا متصل می‌کند. این کریدور هم رقیبی برای ابرپروژه ترانزیتی چین موسوم به «ابتکار کمربند و جاده» و هم جایگزین طرح سابق ترانزیتی «هند-ایران-روسیه-اروپا» است.

مهم‌ترین هدف آمریکا از ارائه این طرح، به چالش کشیدن اقتصاد چین به واسطه ایجاد رقیب بزرگ اقتصادی همچون هند، فشار مضاعف بر ایران با کنار گذاشتن ایران از مهم‌ترین کریدورها و گذرگاه‌های جهان و ایجاد زمینه برای اشغال کامل غزه و کرانه باختری بود. طبق تصویر ۱ این کریدور از هند آغاز می‌شود و از طریق مسیر دریایی اقیانوس هند و دریای عمان به امارات، عربستان، اردن و فلسطین اشغالی می‌رسد و سپس از طریق مسیر دریایی مدیترانه، بندر حیفا به بندر پیرائوس یونان و اروپا متصل می‌شود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه باشکوه ۱۳ مهر ۱۴۰۳ فرمودند، با چنین طرحی رژیم صهیونیستی دروازه تجارت و تبادل انرژی و فناوری بین اروپا و خاورمیانه خواهد بود و با توجه به این جایگاه مهم رژیم صهیونیستی، موجودیت و قدرت آن در منطقه تضمین خواهد شد.

هدف مهم آمریکا از رونمایی این کریدور، علاوه بر حفظ و بقای رژیم صهیونیستی، تبدیل آن به قدرت منطقه و وابسته کردن کشورهای خاورمیانه به این غده سرطانی است. آمریکا به خوبی می‌داند که رمز بقای رژیم صهیونیستی در منطقه افزایش قدرت اقتصادی آن و همچنین افزایش وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه به رژیم است. یکی از گام‌های مهم تحقق این هدف، عادی‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است که نقش مهمی در تکمیل و بهره‌برداری از کریدور عربی-مدیترانه‌ای دارند. در دو دهه گذشته دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی تلاش بسیاری در جهت عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی داشتند و به صورت پنهان و آشکار توافقات و همکاری‌هایی در عرصه‌های مختلف امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی برقرار کردند. این روابط پای رژیم صهیونیستی را به خلیج فارس باز می‌کند و تهدیدات امنیتی و اقتصادی و سیاسی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد؛ به همین دلیل جمهوری اسلامی بارها به کشورهای منطقه به ویژه امارات متحده عربی نسبت به حضور رژیم صهیونیستی در خلیج فارس هشدار داد و حتی دست به اقدامات عملی در جهت ممانعت از ورود رژیم صهیونیستی به خلیج فارس و سواحل امارات زد. بنابراین پس از رونمایی آمریکا از کریدور Arab-Med، گام بعدی طراحی آن‌ها ایجاد زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی به صورت آشکار بود و خبرها حاکی از آن بود که به‌زودی توافقات دوجانبه‌ای میان آن‌ها برقرار خواهد شد.

طوفان الاقصی و رؤیای برباد رفته رژیم صهیونیستی

اما یک اتفاق بزرگ، زلزله‌ای در رؤیاهای آمریکا و هم‌پیمانان آن در منطقه به وجود آورد و همه آن برنامه‌ها را بر هم زد و معادلات منطقه را تغییر داد. آغاز عملیات طوفان‌الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نقطه عطف تحولات منطقه و نقطه شروعی در افول موجودیت رژیم صهیونیستی بود.

طوفان‌الاقصی نه تنها بازدارندگی نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی را از بین برد بلکه دیوار محکم اقتصادی رژیم را به لرزه درآورد. اقتصاد رو به رشد رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی با شوک جدی مواجه شد و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متحمل گردید. بندر مهم و استراتژیک ایلات اشغالی به‌واسطه حملات محور مقاومت به ویژه ارتش یمن غیرفعال و تعطیل شد و بندر اقتصادی و استراتژیک حیفا در ناامن‌ترین شرایط خود در زیر موشکباران نیروهای حزب‌الله لبنان قرار گرفت. تحقق کریدور Arab-Med آن‌قدر برای رژیم صهیونیستی مهم بود که حتی نخست‌وزیر این رژیم در سازمان ملل در بحبوحه نبرد با محور مقاومت، در مقابل صندلی‌های خالی این کریدور را تبلیغ و از آن دفاع می‌کند؛ گویی که هیچ چیز در برابر این کریدور به چشم او نمی‌آید. (تصویر ۲)

اما این آرزو تاکنون نه‌تنها محقق نشده بلکه از طرفی دیگر شیب صعودی رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی نیز از اکتبر ۲۰۲۳ بسیار کندتر شده است. براساس گزارش بلومبرگ، سومین و آخرین ارزیابی اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی که در روز سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۳ منتشر شد، نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی این رژیم که روند ۲۰ ساله رو به رشدی را تجربه می‌کرد، در سه ماه منتهی به ژوئن ۲۰۲۴ با در نظر گرفتن تعدیل‌های فصلی تنها ۰.۳ درصد رشد سالانه داشته است. این وضعیت در شرایطی است که آژانس اعتبارسنجی «اس‌اندپی» در اوایل ماه اکتبر ۲۰۲۴، رتبه اعتباری رژیم صهیونیستی را دو رتبه تنزل داد و با توجه به طولانی شدن جنگ و گسترش جنگ با حزب‌الله لبنان، رشد اقتصادی صفر در سال جاری میلادی را برای آن پیش‌بینی کرد که آماری تکان‌دهنده برای رژیم صهیونیستی در طی ۲۰ سال اخیر به حساب می‌آید. قبل از آن، مؤسسه اعتبارسنجی «مودیز» با اشاره به تشدید ریسک‌های ژئوپلیتیکی، رتبه اعتباری رژیم صهیونیستی برای سرمایه‌گذاری را دو رتبه کاهش داده بود. چند هفته پیش‌تر نیز، شرکت خدمات مالی آمریکایی «فیچ» رتبه اعتباری این رژیم را تنزل داده بود. این سه شرکت از بزرگ‌ترین آژانس‌های اعتبارسنجی در دنیا هستند و نگاه‌های بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران به ارزیابی و اعطای رتبه اعتباری توسط این شرکت‌هاست.

پیش‌تر در آگوست ۲۰۲۴ روزنامه اقتصادی «گلوبز» رژیم صهیونیستی، نتایج نظرسنجی انجام‌شده توسط اقتصاددان ارشد وزارت دارایی این رژیم را به دست آورد که در آن مشخص شد سرمایه‌گذاران بزرگ در حال ترک بازار املاک و مستغلات در سرزمین‌های اشغالی فلسطین‌اند. بر اساس این نظرسنجی تعداد زیادی از مشتریان آپارتمان‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از بازار املاک و مستغلات رژیم صهیونیستی خارج شده‌اند.

عملیات نظامی طوفان‌الاقصی و گسترش جنگ میان حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی و مجاهدت‌های ملت یمن باعث شد تا کانون‌های حساس رژیم صهیونیستی با چالش‌های جدی مواجه شود و امنیت پایدار این رژیم -به‌عنوان خط قرمز آن- فرو بریزد.

اتحاد مسلمانان برای قطع شریان‌های رژیم صهیونیستی

اما سؤال مهم این است که برای تکمیل توفیقات محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و وارد کردن ضربات بیشتر و مؤثرتر به بدنه پوشالی آن، وظایف ما و کشورهای اسلامی چیست؟

رهبر معظم انقلاب در یک سال اخیر در بیانات خود تأکید بسیاری بر قطع روابط اقتصادی و سیاسی کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی داشتند. ایشان در بیانات خود در ۳۱ شهریور سال ۱۴۰۳ فرمودند: «امروز قدم اوّل و اولین کار در اتّحاد دنیای اسلام بر ضد این باند جنایتکار و باند تروری که بر فلسطین حکومت می‌کنند و غصب کردند سرزمین فلسطین را، این است که کشورهای اسلامی ارتباطات اقتصادی شان را به‌کلّی با این باند جنایتکار قطع کنند.»

در بیاناتی دیگر در تاریخ ۲۸ آبان ماه سال ۱۴۰۲ نیز فرمودند: «بایستی جریان و شریانِ حیاتیِ رژیمِ صهیونیستی را قطع کنند؛ بایستی نگذارند که نفت و انرژی و کالا و امثال این‌ها وارد رژیم صهیونیستی بشود.»

یکی از مهم‌ترین دلایلی که موجب تأکید رژیم صهیونیستی بر تداوم جنگ و جنایت علیه غزه و لبنان می‌شود آن است که از شرکای تجاری و اقتصادی خود برای قطع روابط اقتصادی واهمه‌ای ندارد. هرچند تعطیل شدن بندر ایلات اشغالی به‌واسطه مجاهدت‌های نیروهای یمنی ضربه سختی به اقتصاد رژیم غاصب وارد آورد اما مطمئناً چنین اقدامات مشابهی از سوی سایر کشورهای اسلامی و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی[2] ضربات مهلک و فلج‌کننده‌ای به کلیت این رژیم وارد می‌آورد، به‌طوری‌که حمایت‌های آمریکا و اروپا نیز از این رژیم بی‌فایده شده و توان ادامه جنگ و جنایت برای این رژیم باقی نخواهد ماند.

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری یکی از شریان‌های مهم و حیاتی رژیم صهیونیستی، شریان نفت، گاز و انرژی است که کشورهای اسلامی در قطع این شریان نقش بسیار مهمی می‌توانند ایفا کنند.

همان‌گونه که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در جریان جنگ نظامی روسیه و اوکراین علی‌رغم وابستگی اقتصادی نسبتاً بالا به روسیه (به‌ویژه در حوزه انرژی، نفت و گاز) تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه را در حمایت از اوکراین کلید زنند، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی نیز می‌توانند تنها به انتشار بیانیه و محکوم کردن اکتفا نکرده و با قطع روابط تجاری و اقتصادی خود با رژیم صهیونیستی از مسلمانان مظلوم و ستمدیده غزه و لبنان حمایت کنند.

در ابتدا لازم است نقش کشورهای اسلامی در تکمیل شریان‌های حیاتی نفت و گاز رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار دهیم. طبق آمار مؤسسه S&P، تا پیش از اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز عملیات طوفان الاقصی، میزان واردات روزانه نفت توسط رژیم صهیونیستی حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. تا ماه مارس سال ۲۰۲۳، کردستان عراق بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت رژیم صهیونیستی بود و حتی رقم صادرات نفت این اقلیم به بیش از ۲۵۰ هزار بشکه در روز رسیده بود. تجارت نفت اقلیم کردستان عراق با رژیم صهیونیستی توسط شرکت پتراکو انجام می‌شد که نفت کردستان را با استفاده از تانکرهای نفتی به بندر جیهان ترکیه می‌رساند و سپس از طریق دریای مدیترانه به رژیم صهیونیستی منتقل می‌کرد؛ اما با شکایت دولت عراق و رأی دادگاه بین‌المللی به نفع دولت مرکزی این کشور، این صادرات از ماه آوریل ۲۰۲۳ متوقف و دسترسی رژیم صهیونیستی به یک نفتِ باکیفیت و ارزان قطع شد. بعد از مارس ۲۰۲۳ تاکنون، قزاقستان به‌عنوان دیگر عضو سازمان همکاری‌های اسلامی به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت رژیم صهیونیستی تبدیل شد. جمهوری آذربایجان نیز دومین صادرکننده بزرگ نفت به رژیم صهیونیستی است. این دو کشور مسلمان درمجموع ۶۰ درصد منابع نفتی مورد نیاز این رژیم را تأمین می‌کنند.

مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل در گزارشی با عنوان «بررسی وضعیت تأمین نفت رژیم صهیونیستی» درباره تجارت نفتی قزاقستان و آذربایجان با رژیم صهیونیستی نوشت: «قزاقستان به‌طور روزانه ۹۰ هزار بشکه نفت به رژیم صهیونیستی می‌فروشد که حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد نیاز روزانه رژیم است. به‌طور میانگین عرضه نفت قزاقستان به صورت کلی روزانه ۱٫۵۲ میلیون بشکه بوده است؛ بدین ترتیب نفت صادراتی به رژیم صهیونیستی سهم بسیار پایینی در درآمد نفتی قزاقستان دارد.» همچنین در بخش دیگری از این گزارش اشاره شده است: «آذربایجان به‌طور میانگین روزانه ۴۵ هزار بشکه نفت به رژیم صهیونیستی صادر می‌کند، این میزان حدود ۲۵ درصد نیاز روزانه رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند اما بر اساس قرارداد دو طرف، صادرات نفت به رژیم صهیونیستی به‌طور ماهانه بایستی به ۱٫۶ میلیون بشکه برسد.» در کنار این دو کشور مسلمان، گابن، نیجریه، مصر و برزیل نیز سایر صادرکنندگان نفت به رژیم صهیونیستی به شمار می‌روند. مصر و برزیل بعد از قطع صادرات نفت اقلیم کردستان به لیست تأمین‌کنندگان نفت رژیم صهیونیستی اضافه شده‌اند. بنابراین تأمین ۶۰ درصد از منابع نفتی که حدود ۳۹ درصد از سبد تأمین انرژی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد از طریق تجارت گسترده با دو کشور عضو سازمان همکاری‌های اسلامی یعنی آذربایجان و قزاقستان صورت می‌گیرد.

تصویر ۳ خطوط انتقالی نفت به رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل ملاحظه می‌کنید کشورهای قزاقستان و جمهوری آذربایجان نفت خود را از مسیر گرجستان و ترکیه به بندر جیهان در ترکیه می‌رسانند و در ادامه نفتکش‌ها از مسیر دریایی مدیترانه منابع نفتی را بارگیری و به بنادر حیفا و عسقلان در سرزمین‌های اشغالی می‌رسانند. درمجموع می‌توان گفت کشورهای قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه که عضو سازمان همکاری‌های اسلامی‌اند نقش بسیار پررنگی در تکمیل انتقال نفت به عنوان یک شریان حیاتی رژیم صهیونیستی ایفا می‌کنند.

یکی دیگر از کالاهای استراتژیک در تأمین انرژی کشورها گاز است. طبق آمار مؤسسه انرژی (EI)، میزان تولید و مصرف گاز اسرائیل در سال ۲۰۲۳ به ترتیب ۲۳٫۵ و ۱۲٫۶ میلیارد مترمکعب بوده است. به بیان دیگر هم اکنون رژیم صهیونیستی دو برابر نیاز خود به گاز طبیعی، تولید دارد و آن را به کشورهای مصر و اردن صادر می‌کند. درآمد رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲ از صادرات گاز ۲٫۳ میلیارد دلار بوده است.

طبق آمار وزارت انرژی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲، تولید گاز رژیم صهیونیستی از سه میدان «لویوتان» به میزان ۱۱٫۴ میلیارد مترمکعب، میدان «تامار» به میزان ۱۰٫۲ میلیارد مترمکعب و میدان «کاریش» به میزان ۰٫۳ میلیارد مترمکعب بوده است. طبق آمار مؤسسه انرژی (EI)، از سال ۲۰۲۰، تولید گاز طبیعی در رژیم صهیونیستی از مصرف پیشی گرفته و اکنون مازاد آن به میزان ۳٫۴ میلیارد مترمکعب به اردن و ۵٫۸ میلیارد مترمکعب به مصر صادر می‌شود. نکته دیگری که به اهمیت راهبردی گاز برای رژیم صهیونیستی تأکید می‌کند این است که بیش از ۷۰ درصد برق رژیم صهیونیستی از طریق گاز طبیعی تولید می‌شود و وابسته به گاز است. بنابراین گاز نقش بسیار مهمی در تأمین انرژی رژیم دارد.

پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین و قطع صادرات مستقیم گاز روسیه به اروپا، آمریکا و اتحادیه اروپا به دنبال ایجاد خطوط لوله جایگزین برای تأمین گاز اروپا هستند. پس از آن ترکیه که در حوزه تأمین گاز وابسته به ایران و روسیه است با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که در آن قرار دارد، تلاش می‌کند که خود را تبدیل به هاب گازی منطقه و دروازه صادرات گاز به اروپا کند و با قرارگرفتن در مسیر خطوط انتقال گاز از کشورهای حوزه دریای خزر به اروپا علاوه بر تأمین پایدار گاز خود و کاهش وابستگی به ایران و روسیه، واسطه انتقال گاز به اروپا قرار گیرد. به همین دلیل پس از تعلیق خط لوله ترک استریم (مسیر انتقال گاز روسیه به ترکیه) ناشی از جنگ اوکراین، ترکیه در تلاش برای سرعت بخشیدن به پروژه‌های خط لوله انتقال گاز تاناپ و نابوکو است. (تصویر ۴)

ترکیه در عین تلاش برای سرعت بخشیدن به خطوط لوله تاناپ و نابوکو، به دنبال اتصال گاز رژیم صهیونیستی به این خطوط انتقال گاز بین‌قاره‌ای است. تمایل ترکیه به اتصال خط لوله گازی رژیم صهیونیستی به خطوط اصلی انتقال گاز به اروپا نشان از نقش انرژی در عادی‌سازی روابط این دو کشور دارد. رسانه‌های ترکیه اعلام کرده‌اند دولت این کشور در حال مذاکره با رژیم صهیونیستی برای دریافت منابع گازی این رژیم از طریق خط لوله‌ای در دریای مدیترانه است. این کشور در سیاست انرژی جدید خود به دنبال عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی است تا بتواند وابستگی گازی به روسیه و ایران را کاهش دهد. بر اساس مذاکرات آنکارا و تل‌آویو، ترکیه سالانه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از رژیم صهیونیستی وارد خواهد کرد که می‌تواند ۵۰ درصد از نیاز این کشور به گاز را تأمین کند. قیمت پیشنهادی رژیم صهیونیستی برای هر ۱۰۰۰ مترمکعب گاز ۱۰۰۰ دلار است که از نظر آنکارا مقرون به صرفه به‌نظر می‌رسد. همچنین رسانه‌های ترکیه از پروژه خط لوله انتقال گاز ۵۵۰ کیلومتری از طریق دریای مدیترانه به مقصد بندر مرسین ترکیه خبر داده‌اند که بالغ بر ۳ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. رسانه‌های اسرائیلی نیز از طرف دیگر تأیید و اعلام کرده‌اند که این رژیم به زودی منابع گاز طبیعی را از دو حوزه گازی خود در دریای مدیترانه استخراج کرده و از طریق خط لوله به ترکیه منتقل می‌کند تا از طریق ترکیه به بازار جهانی و اتحادیه اروپا عرضه شود.

شواهد نشان می‌دهد که ترکیه برای دستیابی به رؤیای تبدیل شدن به هاب گازی منطقه و قرارگرفتن به‌عنوان دروازه صادرات انرژی به اروپا، حاضر به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی است و قصد دارد صادرات گاز این رژیم را از مسیر ترکیه تسهیل کند؛ بنابراین می‌توان گفت برخی سخنان بعضاً شدیداللحن نخست‌وزیر ترکیه علیه رژیم صهیونیستی، در راستای فریب و کنترل خشم افکار عمومی مسلمانان نسبت به خود است و در واقعیت، اتفاقات دیگری در حال رخ دادن است.

مطالب ذکرشده نشان می‌دهد کشورهای اسلامی در تأمین انرژی رژیم صهیونیستی و حتی تسهیل در صادرات انرژی توسط این رژیم نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کنند. یکی از اقدامات مهمی که جمهوری اسلامی ایران در راستای تهاجم اقتصادی علیه رژیم صهیونیستی و تحقق بخشی به دغدغه رهبر حکیم انقلاب اسلامی می‌تواند انجام دهد استفاده از ظرفیت دیپلماسی فعال اقتصادی در جهت قطع شریان‌های حیاتی رژیم صهیونیستی است. مذاکره مؤثر و هدفمند با کشورهای مهمی همچون مصر، اردن، ترکیه، جمهوری آذربایجان، کردستان عراق و قزاقستان که کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی نیز هستند می‌تواند اقتصاد رژیم صهیونیستی را با مخاطرات بیشتری همراه کند.

پیشنهاد راه‌حل‌های جایگزین و مشوق به کشورهای تأمین‌کننده نفت رژیم صهیونیستی به‌ویژه قزاقستان که در حال حاضر بزرگ‌ترین صادرکننده نفت این رژیم تلقی می‌شود و همچنین تحریم گاز رژیم صهیونیستی و ممانعت از تسهیل انتقال گاز رژیم صهیونیستی به ترکیه و اروپا می‌تواند پایه‌های اقتصادی رژیم غاصب را سست کند و روند فروپاشی و استحاله سیاسی این رژیم را سرعت بخشد.

کشورهای منطقه باید به این واقعیت برسند که می‌توانند با هم‌افزایی یکدیگر و بدون دخالت کشورهای بیگانه و نظام سلطه، امنیت خود را تأمین کنند و به اقتصادی مستقل و شکوفا برسند و رفاهی پایدار برای مردم منطقه فراهم کنند. کشورهای مسلمان این ظرفیت و توان بالقوه را دارند که با ایجاد محدودیت‌های اقتصادی و قطع شریان‌های حیاتی رژیم صهیونیستی، گام مؤثری در نابودی این رژیم، حمایت از ملت فلسطین و تأمین اهداف اقتصادی خود بردارند.

پی‌نوشت:

۱. گروه ۲۰ یک مجمع چندملیتی است که در ابتدا ۱۹ کشور دارای بزرگ‌ترین اقتصاد جهان به اضافه اتحادیه اروپا بودند. این گروه به‌عنوان یک پلتفرم جهانی که اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور پیشرو در سراسر جهان را در بر می‌گیرد، عمل می‌کند.

۲. سازمان همکاری اسلامی (OIC) سازمانی منطقه‌ای است که رویدادهای بعد از شکست ۱۹۶۷ میلادی اعراب از اسرائیل و نیز هم‌زمان با آتش‌سوزی در مسجدالاقصی (در ۲۱ اوت ۱۹۶۹)، زمینه را برای عملی ساختن طرح برپایی این سازمان فراهم ساخت. این سازمان با وجود فراز و نشیب‌های فراوان توانسته خود را به صورت یک نهاد بین‌المللی معتبر تثبیت کند. چنانکه از طرف سازمان ملل متحد نیز به رسمیت شناخته شده و پنجاه‌وهفت کشور اسلامی عضو این سازمان هستند.

تصویر ۱

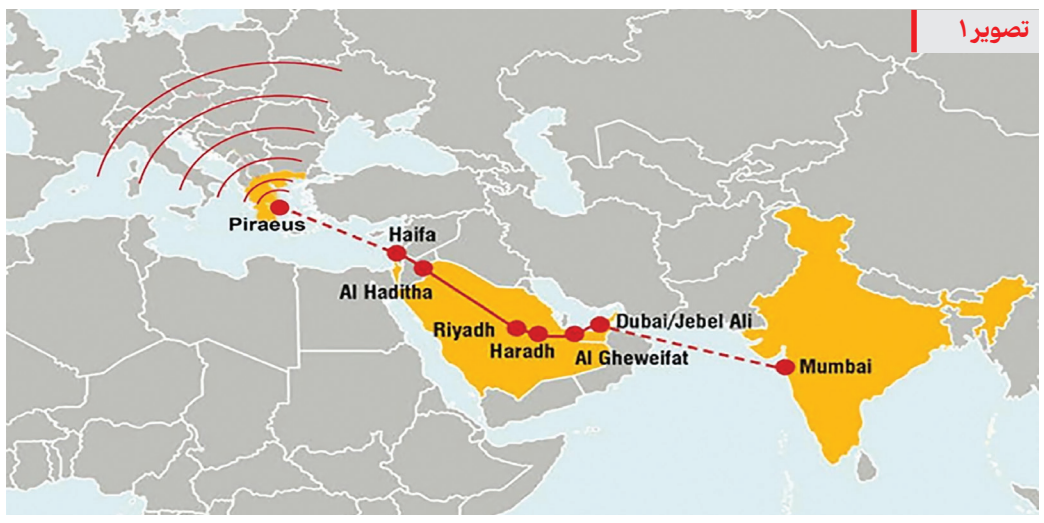

تصویر ۲

تصویر ۳

تصویر ۴